



## نقش تعاونی‌های (روستایی، کشاورزی و تولید روستایی) در موفقیت کارآفرینی روستایی

لیلا خلاف بروایه<sup>۱</sup>

### چکیده

رویکرد اکثر کشورهای جهان در دهه‌های اخیر به موضوع کارآفرینی و توسعه آن، موجب ایجاد موجی از سیاست‌های توسعه کارآفرینی در دنیا شده است. توسعه کارآفرینی نیازمند شناسایی ساختارهای مناسب و راهکارهای موثری است که بتواند شرایط لازم را برای تحقق کارآفرینی در سطح جامعه فراهم آورد. یکی از ساختارهای مناسب جهت جذب کارآفرینان در کشور ما، بخش تعاونی‌های روستایی و کشاورزی می‌باشد.

تعاونی‌های روستایی و کشاورزی و تولید روستایی به عنوان یکی از اشکال سازمان‌های مردم نهاد، دارای قابلیت‌های فراوان برای ایفای نقش در حمایت اقتصادی و توسعه اجتماعی جوامع روستایی می‌باشند. علی‌رغم اهمیت و جایگاه تعاونی‌ها، بررسی اولیه عملکرد آن‌ها به ویژه در مناطق روستایی نشان دهنده آن است که این تعاونی‌ها با مشکلات متعددی روبرو بوده و نتوانسته‌اند به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابند. در چنین شرایطی، بسیاری از محققان و صاحب نظران بر این باورند که توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی می‌تواند نقش اساسی در کمک به توسعه و تقویت تعاونی‌ها و حل مشکلات آن‌ها داشته باشد. با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، هدف اصلی این مقاله توصیفی-تحلیلی بررسی نقش و جایگاه کارآفرینی در توسعه تعاونی‌های روستایی بود. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که رابطه نزدیکی بین تعاونی‌ها و کارآفرینی وجود دارد و در حقیقت کارآفرینی به منزله یکی از پیش شرط‌های اصلی موفقیت تعاونی‌های روستایی به شمار می‌رود. تعاونی‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از عناصر کارآفرینی مانند خلاقیت، نوآوری، شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و ریسک‌پذیری، کارایی و اثربخشی خود را افزایش داده و به شکل موفق‌تری عمل نمایند. بر این اساس، ضروری است تا زمینه‌ها و حمایت‌های لازم از جمله مالی، قانونی، آموزشی، مشاوره‌ای و اطلاع رسانی از سوی سازمان‌ها و نهادهای ذیربط برای توسعه و تقویت کارآفرینی در تعاونی‌ها صورت پذیرد.

**کلید واژه‌ها:** تعاونی‌های روستایی و کشاورزی و تولید روستایی، کارآفرینی روستایی، توسعه روستایی

<sup>۱</sup> دانشجوی ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه گنبد کاووس. Leila.borvaye@gmail.com



## مقدمه

یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی در می‌یابیم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش جایگاه کارآفرینان به طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود، اکنون در عرصه‌های جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و از آنان نیز به عنوان قهرمانان ملی یاد می‌شود. چرخ‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آید. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری و ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد و در نتیجه افزایش درآمد روستاییان می‌شود. شایان ذکر است که کارآفرینی تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمد روستاییان نمی‌باشد، اما می‌تواند در کنار سایر راهکارهای مناسب، بهترین آن‌ها باشد. وجود حمایت‌های مستمر از کارآفرینان روستایی، توسعه بسترهای مناسب (از نظر زیر ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی) در مناطق روستایی، تشویق کارآفرینان روستایی و ... می‌تواند از کارآفرینی، راهکار عملی مناسب برای اهداف توسعه روستایی، یعنی ایجاد اشتغال مفید، افزایش درآمد و مشارکت و اتکا به نفس روستاییان بسازد این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع متعدد فارسی راهبردهای مختلف توسعه روستایی و همچنین جایگاه راهبردی کارآفرینی در برنامه ریزی‌های توسعه روستایی و اشتغال‌زایی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

## بیان مسئله

رشد سریع جمعیت و سایر تحولات اجتماعی اقتصادی پرشتاب در چند دهه گذشته از جمله؛ محدود شدن فرصت‌های استخدامی از طرف دولت، عملکرد نامطلوب نظام آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآزموده و کم توجهی به آموزش‌های کاربردی، فقدان ساختار مناسب در بخش خصوصی برای جذب دانش آموختگان دانشگاه‌ها، مشکلات موجود در ساختار فرهنگی جامعه، مشکلات موجود در فضای کسب و کارها، فقدان ارتباط مؤثر میان دانشگاه و بخش‌های مختلف اقتصادی، وجود مشکلات اجرایی در پیاده کردن سیاست‌ها و برنامه‌های کلان اشتغال کشور و ... موجب بروز معضل بیکاری جوانان در جامعه ایرانی شده است و موجبات کوچ جوانان روستایی را به شهرها فراهم ساخته است. حل معضل بزرگ بیکاری جامعه فعلی ایران و دغدغه جدی اشتغال، تنها از طریق بخش دولتی و خصوصی میسر نمی‌شود. به عبارت دیگر امروزه در عصر جهانی شدن و برداشته شدن سرحدات و مرزها، بخش دولتی به تنهایی قادر به حل مشکل بیکاری نمی‌باشد، زیرا استخدام در بخش دولتی به ندرت صورت می‌گیرد و سیاست دولت مبنی بر کاستن از بار سنگین پیکره این بخش باید عملی گردد، پس استخدام و جذب نیرو در مراکز دولتی آن طوری که باید و شاید مقدور نمی‌باشد.

امروزه اکثر صاحب‌نظران بر این باور هستند که کارآفرینی تنها راهکار مؤثر برای رفع معضل بیکاری در جامعه است. کارآفرینی، به معنای فرآیندی ارزشی که منجر به تولید کالاها یا خدمات جدید می‌شود، موجب می‌گردد که سرمایه‌ها و استعداد‌های افراد در مسیر اشتغال-زایی، خدمت‌رسانی، افزایش سطح رفاه عمومی جامعه و پویایی اقتصاد کشور به کار گرفته شده و دستیابی به توسعه پایدار تسهیل گردد. یک فرد کارآفرین، منتظر سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل از طرف دولت نیست. او خود با شناخت صحیح از فرصت و استفاده از سرمایه‌های راکد، امکاناتی را فراهم نموده و با سازماندهی و مدیریت مناسب منابع، ایده خویش را عملی می‌نماید و بدین ترتیب نه تنها خودش شاغل می‌شود، بلکه بدون اتکا به دولت، برای تعداد دیگری از افراد نیز شغل می‌آفریند، که این امر در دراز مدت سبب کاهش نرخ بیکاری خواهد گردید. با توجه به لزوم توجه و اهمیت به مقوله کارآفرینی به منظور رفع بحران بیکاری در کشور، لازم است که با توجه به نظام اقتصادی و چشم انداز آینده، ساختارهای مناسب برای توسعه کارآفرینی نیز به کارآفرینان معرفی گردد. یکی از مناسب‌ترین ساختارها و سازمان‌هایی که می‌تواند کارآفرینان را در خود جای دهد و آنان را به سر منزل مقصود برساند، بخش تعاونی بخصوص تعاونی‌های روستایی و کشاورزی است. زیرا اکثر نیروهای بیکار در جامعه روستایی ایران به ویژه تحصیل کرده‌ها و دانش آموختگان دانشگاه‌ها فاقد سرمایه کافی و در گردش برای آغاز و تدارک فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در روستاها و ایجاد منبع درآمد و زمینه شغلی می‌باشند و



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران  
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

## دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید باهنر

اغلب به لحاظ کمبود یا فقدان سرمایه کافی برای آغاز حرکت و فعالیت در زمینه‌های مختلف اقتصادی دچار مشکل هستند. تشکل‌های تعاونی‌های روستایی و کشاورزی با گسترش فرهنگ تعاون و توجه کشاورزان و روستاییان نسبت به تجمع سرمایه‌های مادی و اجتماعی و تبدیل آن‌ها به سرمایه‌های مادی و اجتماعی کلان و کار ساز و با کنار هم قرار دادن مهارت‌ها و توانمندی‌های مختلف و متنوع می‌توانند بسیاری از نیازهای جامعه روستایی از جمله اشتغال را با فعالیت‌های گروهی خودشان برآورده سازند و اغلب نیازهای جامعه را نیز برطرف نمایند و زمینه‌های شکوفایی بسیاری از زمینه‌ها و موارد احیا نشده را که در مناطق روستایی و کشاورزی به صورت بالقوه باقی مانده اند، به فعل برسانند. تعاونی‌های روستایی و کشاورزی به منظور تحقق اهداف مشخص شده در اساسنامه، نیازمند مدیران و کارکنان و مشارکت اعضایی در برنامه ریزی و تصمیم‌گیری‌ها می‌باشند که از خلاقیت، نوآوری و توان کشف فرصتی جدید که از بارزترین ویژگی‌های کارآفرینان است و خصوصیات رفتاری و روانی این گونه افراد (از قبیل استقلال طلبی، نیاز به پیشرفت، ریسک‌پذیری و ...) می‌باشد، برخوردار باشند. بنابراین تعاونی روستایی و کشاورزی بهترین بستر برای پرورش و پیشرفت مدیران و کارکنان و اعضای کارآفرین و کسانی که در حوزه عمل روستاها واقعند، می‌باشند. عوامل تشکیل دهنده یک تعاونی به جای فردیت مبتنی بر جمع است، از این رو ماهیت جمعی فکر کردن و جمعی عمل کردن را با خود به همراه دارد. ثانیاً در تعاونی سود شخصی به عنوان محور و یا هدف اصلی نیست و آراء و عقاید دیگران، حتی اگر حداقل سهام را داشته باشند مورد احترام واقع می‌شود. روح کلام اینک تعاونی جایگاه مناسبی است که می‌تواند روحیه کارآفرینی را در افراد تقویت نموده و در شکوفایی ویژگی‌های مثبت آنان نقش بسزایی داشته باشد. به همین منظور در مقاله حاضر تلاش گردیده است تا با توجه به ضرورت‌های مطرح شده در خصوص تعامل میان کارآفرینی و بخش تعاونی به ویژه تعاونی‌های روستایی و کشاورزی و تولید روستایی، تبیین‌های لازم ارائه گردد.

### نقش تعاونی‌ها در پیشرفت روستاها

می‌توان گفت تعاون، وسیله‌ای است برای افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همبازی در توسعه و بهره‌مندی از آثار آن به ویژه آن که مشارکت مردمی در برنامه ریزی‌های گوناگون برای توسعه روستایی، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا اجرای هرگونه برنامه عمران و توسعه در روستاها، بدون همبازی و مداخله مستقیم و خودخواسته مردم محل، ناکام خواهد شد. مشارکت فعال و خودجوش روستاییان نیز مستلزم آگاهی یافتن آنان از ره آورد طرح‌های توسعه است. این امر تنها با آموزش عملی می‌شود، مشارکت، فرآیندی آموزشی است و کلید توسعه روستایی به شمار می‌آید. مهاتما گاندی؛ رهبر فقید آزادی هند با درک این مهم، راه ترقی یک کشور را در دو اصل می‌دانست:

1- خود اتکایی روستایی

2- مشارکت و خودیاری روستایی

به عقیده گاندی، یگانه وسیله نجات کشور، قربانی کردن نفس خویش و فداکاری و خدمت هر یک از افراد جامعه به دیگری اعم از فقیر و غنی است. ایجاد سازمان‌های از پیش تعیین شده، بدون در نظر گرفتن ابتکار روستاییان، نه تنها به توسعه کمک نمی‌کند، بلکه در جهت مخالف آن است، یا دست کم نیرویی خنثی خواهد بود. البته این مشارکت باید دو نتیجه را در پی داشته باشد:

۱- منافع مستقیم محرومان جامعه را تأمین کند.

۲- به صورت فعالیتی اشتغال آفرین و درآمدزا در سطح روستاها درآید.

تعاون و مشارکت جمعی در فرهنگ روستایی کشور ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با این حال، مهم‌ترین مشکل، فرا راه توسعه تعاونی‌های روستایی، مسئله ضعف مالی روستاییان است که دولت و سیستم بانکی با کمک‌های حمایتی خود می‌توانند این نقیصه را رفع کنند. چنین مسئله‌ای، آثار مثبتی در پی خواهد آورد؛ زیرا گسترش فعالیت‌های تعاونی روستایی، ره‌گشای بسیاری از مشکلات اقتصادی جامعه خواهد بود.



## شرکت‌های تعاونی

واژه (*Competition*) را اولین بار رابرت آون در مقابل واژه رقابت (*Co-Operation*) به کار گرفت. تاکنون تعاریف متعددی از تعاون و تعاونی ارائه گردیده است. تعاون را می‌توان نوعی کار و زندگی مشترک در سطوح گوناگون فعالیت‌های اجتماعی دانست تعاون به معنی همکاری به منظور تأمین متقابل است. کلمه تعاون به معنای کار مشترک می‌باشد و یا به عبارت دیگر منظور از تعاون، گروهی متشکل از افراد است که با مشارکت یکدیگر بتوانند اموری را انجام دهند که یک نفر به تنهایی قادر به انجام آن نیست.

آخرین تعریف بین‌المللی تعاون در سی و یکمین کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون که در سال ۱۹۹۵ در منچستر برگزار گردید بدین صورت ارائه گردیده است: «تعاونی انجمنی مستقل و متشکل از افرادی است که به طور داوطلبانه برای تأمین نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا تأسیس شده و فعالیت خود را با مشارکت و با مدیریتی دموکراتیک به اجرا در می‌آورد».

## اهداف تعاونی و وظایف تعاونی‌های روستایی و کشاورزی

- ترویج توسعه مشارکت (ایجاد امکان فعالیت‌های دسته جمعی)
  - بهره‌مند کردن روستاییان از شخصیت حقوقی در قالب گروه
  - ارتقای سطح زندگی روستاییان
  - افزایش تولید و بهره‌وری در جامعه روستایی
  - فراهم آوردن امکانات آموزشی مورد نیاز روستاییان
- برای رسیدن به اهداف فوق، تعاونی‌های روستایی و کشاورزی نسبت به اعضای خود تعهداتی دارند و با ایفای نقش خود بر اساس اساسنامه، شرکت‌های تعاونی به انجام این تعهدات به شرح زیر اقدام خواهند نمود:
- ارائه خدمات مالی و اعتباری
  - ارائه خدمات فنی و مشاوره ای
  - ارائه خدمات ترویجی و آموزشی
  - ارائه خدمات بازاریابی
  - تهیه و تدارک کالاهای معیشتی و حرفه ای اعضا

## کارآفرینی

**مفهوم واژه کارآفرینی:** واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی "Entreprendre" به معنای بر عهده گرفتن یا "متعهد شدن" نشأت گرفته است (سیدنقوی و عبدالله پور، ۱۳۸۹). بنابراین تعریف واژه‌نامه دانشگاهی وبستر "کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند".

**تعاریف کارآفرینی از دیدگاه‌های مختلف:** کارآفرینی موضوع جدیدی در علوم اجتماعی نیست، با این حال، مانند دیگر مفاهیم انسانی و مدیریتی، دارای یک تعریف قطعی و مشخص نمی‌باشد و درک کامل از آن نیازمند داشتن دیدگاهی بین رشته‌ای است (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵). البته مفهوم کارآفرینی در عرصه وسیعی از چشم‌اندازهای علمی در رشته‌های مختلفی از روانشناسی گرفته تا اقتصاد به طور عمیق مورد مطالعه قرار گرفته است. در مکالمات رایج، کارآفرینی را با شروع کسب و کار جدید مرتبط می‌دانند، اما این کاربرد برای این واژه‌ها که از معانی بسیار و عمیقی برخوردار است، بسیار ضعیف است. واژه کارآفرین در قرن هفدهم و هجدهم از اقتصاد فرانسه وارد شده است، در زبان فرانسوی این واژه به معنای فردی است که مسئولیت انجام یک فعالیت مهم را بر عهده می‌گیرد. به طور روشن‌تر،



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران  
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

## دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید باهنر کرمان

کاربرد این واژه زمانی است که قصد شناسایی افراد ریسک پذیر و افرادی که از طریق پیدا کردن راه‌های بهتر و جدیدتر برای انجام کارها، موجب پیشرفت اقتصادی می‌شوند، باشد. در مجموع، تعاریف بسیار متعددی در زمینه کارآفرینی وجود دارد ولی با این حال بسیاری از ابعاد وجودی آن مبهم باقی مانده است. با نگاهی به ادبیات کارآفرینی مشخص می‌شود که تعاریف کارآفرینی از تأکید بر عمل کارآفرینی به سوی تأکید بر ویژگی‌های کارآفرینی حرکت کرده‌اند (علم بیگی، ۱۳۸۶). در زیر به برخی از مهم‌ترین تعاریف کارآفرین و کارآفرینی اشاره شده است:

علم بیگی (۱۳۶۸) به نقل از کیو (۱۹۹۵)، کارآفرینی را فرآیند انجام کاری جدید و متفاوت برای ایجاد ثروت و اضافه کردن ارزش به اجتماع تعریف می‌کند. در تعریف وی به سه جنبه از کارآفرینی توجه شده است: خلاقیت (کار جدید)، نوآوری (کاری متفاوت) و ارزش. هیسریچ و پیترز (۲۰۰۲) کارآفرینی را فرآیند خلق چیزی متفاوت و با ارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش برای آن می‌دانند؛ با فرض همراه بودن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و نیز دریافت پاداش‌های مالی، روانی و اجتماعی و نیز دریافت پاداش‌های مالی و رضایت فردی.

رضائیان (۱۳۹۰) کارآفرینی را شکار فرصت‌ها به وسیله افراد، به طور انفرادی (کارآفرینی مستقل) یا در سازمان‌ها (کارآفرینی سازمانی)، بدون در نظر گرفتن منابع موجود در اختیار آن‌ها تعریف کرده است. کارآفرینی پدیده موقعیتی است و فرد کارآفرین انسانی نوآور است که با ذهنیت مثبتی که دارد، فرصت‌های سودآور و کشف نشده را تشخیص می‌دهد و می‌کوشد تا ترکیب‌های جدیدی از منابع کمیاب را ارائه کند و با پذیرش خطرهای ناشی از ابتکارات خویش، با تلاش‌هایی که انجام می‌دهد خود و جامعه را بهره‌مند سازد.

### اهمیت و ضرورت کارآفرینی

کارآفرینی مقوله بسیار مهمی است که امروزه بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به آن توجه جدی مبذول می‌دارند. در این جوامع، کارآفرینی تبدیل به ابزار نیرومندی در جهت ایجاد فرصت‌های مناسب شده که بهره‌گیری از آن‌ها می‌تواند باعث رفع مشکلاتی همچون بحران اشتغال، کمبود نیروی انسانی خلاق و پویا، پایین بودن بهره‌وری، کاهش کیفیت محصولات و خدمات و رکود اقتصادی شود (فوگل، ۲۰۰۵). در واقع، کارآفرینی مفهومی عینی و عملی است که ریشه‌ای به درازای تاریخ بشر دارد و هم‌زمان با آغاز زندگی انسان روی زمین و تلاش برای کسب درآمد و تأمین مایحتاج زندگی، پا به عرصه وجود گذاشته است، اما طرح این مقوله به عنوان یک مفهوم علمی سابقه چندانی ندارد (سعیدی مهرآباد و مهتدی، ۱۳۷۸).

تأمل در وضعیت اقتصادی و روند مراحل پیشرفت در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه که به موضوع کارآفرینی توجه نموده‌اند، نشانگر آن است که این کشورها توانسته‌اند به پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی دست یابند و یا حداقل بحران‌های پیش آمده را به سلامت پشت سر گذاشته و بحران‌های آینده را مهار نمایند. از جمله این کشورها می‌توان ایالات متحده، کشورهای اتحادیه اروپا، کشورهای جنوب شرقی آسیا، چین، برخی کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی و اقیانوسیه را نام برد (علم بیگی، ۱۳۸۶). از طرفی، نتایج مطالعات انجام گرفته در خصوص کارآفرینی در دهه‌های اخیر بیانگر آن است که به طور شگفت‌انگیزی میان کارآفرینی و بازده اقتصادی رابطه وجود دارد و کارآفرینی یک عملکرد بسیار مهم و ویژه در اقتصاد نوین دارد (گرچی و سمیعی، ۱۳۸۷). در کشور ما تا شروع برنامه سوم توسعه، توجه جدی و زیادی به کارآفرینی نشده بود.

حتی در محافل علمی و دانشگاهی نیز به جز چند مورد نادر، فعالیت و پژوهش چشمگیری در این زمینه ملاحظه نمی‌شود. با حادث شدن مشکلاتی نظیر بیکاری، در تدوین برنامه سوم توسعه موضوع کارآفرینی مورد توجه بیشتری قرار گرفت و در سطح وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، و بسیاری از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دیگر به دلیل ارتباط با فعالیت‌های آن‌ها مطرح شد (سلجوقی، ۱۳۸۷). با توجه به لزوم اهمیت دادن به مقوله کارآفرینی به منظور رفع بحران بیکاری در کشور، لازم است که با توجه به نظام اقتصادی و چشم‌انداز آینده، ساختارهای مناسب جهت توسعه کارآفرینی نیز به کارآفرینان معرفی گردد.



(دهباشیان و همکاران، ۱۳۹۰). نیم نگاهی به وضعیت جهانی اقتصاد، ما را به سوی این باور می‌کشاند که رشد کارآفرینی و فرهنگ کارآفرینانه به شرطی که هنرمندانه با فرهنگ، امکانات، توانایی و سلیقه ایرانی آمیخته شود، تنها راه بهبود اقتصاد بیمار کشور است (دهقانپور فراشاه، ۱۳۸۱).

### جایگاه و نقش کارآفرینی در تعاونی‌ها

همان طور که اشاره شد شرکت‌های تعاونی به ویژه در سطح مناطق روستایی با مشکلات بسیاری روبرو هستند که اکثر آنها قابل حل می‌باشند. نتایج پژوهش‌های مختلف بیانگر آن است که آموزش و توسعه کارآفرینی می‌تواند تعاونی را در حل این مشکلات یاری کند؛ برای نمونه، نتایج ارزیابی تأثیر دوره‌های آموزش کارآفرینی بیانگر آن است که این دوره‌ها مهارت کارآفرینی شرکت‌کنندگان را افزایش می‌دهند (دنیایی و همکاران، ۱۳۸۹). در واقع، تعاونی‌ها که ارزش افزایی اجتماعی آن‌ها به خوبی شناخته شده است و بستری برای اقدام جمعی به حساب می‌آیند، به خوبی با کارآفرینی همسو و سازگار هستند (عباسی و همکاران، ۱۳۸۸). تعاون بستر مناسبی برای کارآفرینی و کارآفرینی به منزله یکی از پیش شرط‌های موفقیت تعاونی بوده و میان این دو رابطه محکمی وجود دارد. تعاونی می‌تواند با بهره‌گیری از فاکتورهای کارآفرینی مانند خلاقیت، نوآوری، شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و ریسک‌پذیری موفق‌تر عمل کند. تعاونی کارآفرین، شرکتی است اقتصادی-اجتماعی، پویا، انعطاف‌پذیر و متشکل از افرادی با اعتماد به نفس بالا، خلاق، ریسک‌پذیر، فرصت‌گرا، پرتلاش و پشتکار و متعهد که بر مبنای تعاون و همیاری و دموکراسی تشکیل می‌گردد. از آن جا که نتایج مطالعات مختلف بیانگر این مطلب است که یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی است و مهم‌ترین سازوکار آن، کارآفرینی و ایجاد تعاونی است، تقویت ظرفیت فرهنگ تعاون و نظام تعاونی در یک جامعه (از جمله مهارت‌ها و انگیزه‌های استفاده از فرصت‌ها)، تأثیر به‌سزایی در ارتقای سطح فعالیت‌های کارآفرینی خواهد داشت (فاضل بیگی و یآوری، ۱۳۸۸). تعاونی‌های فعال در حوزه تعاون نوعی سازمان اجتماعی-اقتصادی می‌باشند که به لحاظ سازوکارهای ویژه خود ضمن ایجاد عدالت اجتماعی با پیشگیری از تمرکز ناعادلانه ثروت، با قراردادن مدیریت در اختیار نیروی کار و بهره‌وری مستقیم یعنی ایجاد ارتباط سالم بین تولید و مصرف، موجب حذف واسطه‌های غیرضروری و کاذب از ساختار اقتصادی جامعه شده و با ایجاد کارآفرینی و اشتغال سالم، بار ارزشی-اقتصادی خود را در جامعه به اثبات می‌رسانند (مهرنگار و حسینی نیا، ۱۳۸۸). آنچه مسلم است بخش تعاون می‌تواند به منزله یکی از مؤثرترین نهادها، گام مثبتی در راستای ایجاد فضای مناسب برای افزایش منابع ملی، کاهش نرخ بیکاری، تعادل ساختاری و توسعه شهرها و روستاها بوده و با توجه به سیاست‌های اصل ۴۴، روحیه کارآفرینی را ترویج نماید. تعاونی‌های کارآفرین را می‌توان یکی از ابزارها و راهکارهای اساسی در افزایش و گسترش فرصت‌های اشتغال، افزایش سطح درآمد کشاورزان، ارتقای بهره‌وری کشاورزی و سرعت‌بخشی به روند توسعه کشاورزی به شمار آورد (شریعت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). آنچه مسلم است تعاونی جایگاه مناسبی است که می‌تواند روحیه کارآفرینی را در افراد تقویت نموده و در شکوفایی ویژگی‌های مثبت آنان نقش به‌سزایی داشته باشد (رحیمی و واحدچوکده، ۱۳۸۷). به هر حال، یکی از راهکارهای پیشنهادی برای کاهش بیکاری، تأسیس و فعال نمودن تشکلهای تولیدی به طور خاص تعاونی در روستاها و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در آن‌ها است (پیریچ و همکاران، ۲۰۰۱). بدیهی است اگر بخش تعاون به ویژه تعاونی‌های روستایی بخواهد به اهداف مصرح در قانون اساسی و در واقع شرایط ایده‌آل دست یابد، لازم است به بهبود عملکرد تعاونی، ایجاد فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، رفع موانع ساختاری، دستیابی به ترکیب اعضای مناسب و غیره توجه جدی نماید (دنیایی و همکاران، ۱۳۸۹). در این زمینه، بسیاری از پژوهش‌گران و صاحب‌نظران بر این باورند که توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی می‌تواند نقش اساسی را در کمک به تعاونی‌ها جهت دستیابی به اهدافشان ایفا نماید (حسین‌پور و زارعی‌وش، ۱۳۸۹) و اهرم نیرومندی برای برون‌رفت از شرایط نامطلوب کنونی باشد (انصاری و سلمانی‌زاده، ۱۳۸۸).

از طرفی، امروزه صاحب‌نظران بین‌المللی بر این عقیده‌اند که به طور ویژه و مشخص باید به امر توسعه روستاها و ریشه‌کنی فقر گسترده موجود در آن‌ها پرداخت؛ در این میان، مقوله تعاون روستایی و کارآفرینی روستایی جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند (فاضل بیگی و





دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران  
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

## دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید باهنر

یاوری، ۱۳۸۸). در جوامع روستایی نه با اعمال زور می‌توان روستاییان را وادار به مشارکت مستمر در اداره امور روستا نمود و نه با تطمیع از طریق اعطای امتیازهای مادی. تنها راه ترغیب روستاییان به مشارکت در اداره امور روستا عبارت است از تفهیم لزوم و فایده همکاری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حیاتی روستا می‌باشد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع، یکی از مناسب‌ترین ساختارها و سازمان‌هایی که می‌تواند کارآفرینان را در خود جای دهد و آنان را به سر منزل مقصود برساند، بخش "تعاونی" است؛ زیرا اکثر نیروهای بیکار جامعه فعلی ایران به ویژه تحصیل کرده‌ها و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها فاقد سرمایه کافی برای آغاز فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد منبع درآمد و زمینه شغلی می‌باشند (دهباشیان و همکاران، ۱۳۹۰). البته توجه به این نکته نیز دارای اهمیت است که دولت‌ها باید حمایت‌های لازم را از جنبه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی از تعاونی‌ها و کارآفرینی در تعاونی به عمل آورند، زیرا حمایت‌های اقتصادی از حامیان اصلی افزایش سطوح فعالیت‌های تعاون و کارآفرینی هستند (فاضل بیگی و یاوری، ۱۳۸۸). در ارتباط با دلایل تمایل تعاونی‌ها برای توسعه کارآفرینی، یافته‌ها نشان می‌دهند که تمامی شرکت‌ها به تعاونی کارآفرین نیاز ندارند؛ بعضی از شرکت‌ها کسب و کار خود را به نحو احسن و مؤثر و برنامه‌ریزی شده به پیش می‌برند، اما بعضی دیگر به یک شوک و القای خلاقیت نیاز دارند. خصوصاً اگر آن‌ها در محیط‌های ناآرام و محیط‌هایی که دچار تغییرات سریع و آنی شده‌اند کار می‌کنند، زیرا چنین محیط‌هایی غیرقابل پیش‌بینی هستند و برنامه‌ریزی برای آن‌ها مبهم است. خودباوری، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، خلاقیت و غیره از ویژگی‌های کارآفرینی در بخش تعاونی است و انتظار می‌رود که با وجود مشکلات محیطی، موانع فعالیت را از سر راه بردارند (مقصودی و داوودی، ۱۳۸۸).

### تعامل میان تعاونی و کارآفرینی

شواهد و قراین موجود در جامعه، حاکی از این است که تعاونی بستر مناسبی برای کارآفرینی است و کارآفرینی به منزله یکی از پیش شرط‌های موفقیت تعاونی بوده و میان این دو رابطه محکمی وجود دارد. هنگامی که کارآفرینی به حوزه تعاونی وارد می‌شود، می‌توان امیدوار بود شناسایی و بهره‌گیری از فاکتورهایی از قبیل «خلاقیت و نوآوری»، «شناسایی و بهره‌گیری از فرصت» و «ریسک‌پذیری» می‌تواند در فضای رقابتی کسب و کارها جایگاه قابل خود ایجاد کرده و موفق عمل نماید. همان‌طور که می‌دانیم «خلاقیت»، توانایی خلق فکرهای جدید است که این فکرها ممکن است به ایجاد محصولات یا ارائه خدمات جدید منجر شود. «نوآوری» نیز عبارت است از جست و جوی خلاق یا غیر عادی راه‌حل‌های تازه برای رفع نیازها و مسائل موجود. نوآوری و خلاقیت از اجزای لاینفک کارآفرینی‌اند و بهره‌گیری از این ویژگی‌های کارآفرینانه در تعاونی می‌تواند با ایجاد مزیت رقابتی، زمینه موفقیت تعاونی را در میان کسب و کار مشابه، فراهم آورد (چل، ۱۹۹۱).

از سوی دیگر محیط اقتصادی که پیوسته در حال تحول است، جریان پیوسته‌ای از فرصتی بالقوه را فراهم می‌آورد، به شرط آنکه فرد بتواند ایده‌های نافع را در بهیوحه یک وضعیت آشفته و نیز بدبینی که در چنین محیطی نفوذ می‌کند، تشخیص دهد. بنابراین شناسایی منابع فرصت به عنوان یکی از اجزای لاینفک کارآفرینی و بهره‌گیری از آن در نظام تعاونی می‌تواند موفقیت در عرصه اقتصادی را برای تعاونی به ارمغان آورد.

مناسب بودن تعاونی به عنوان یک بستر مناسب برای کارآفرینی را می‌توان با توجه به هویت تعاونی و نقش آن در شکوفایی ویژگی‌های کارآفرینانه مورد بررسی قرارداد. برای آشنایی با هویت تعاونی می‌توان به بیانیه اتحادیه بین‌المللی تعاون درباره هویت تعاونی استناد نمود که در آن اصول تعاونی‌ها شامل موارد زیر می‌باشند:

- عضویت اختیاری و آزاد
- کنترل دموکراتیک توسط اعضا
- مشارکت اقتصادی اعضا
- خودگردانی و عدم وابستگی



## دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



-آموزش، کارورزی و اطلاع رسانی

-همکاری بین تعاونی‌ها

-توجه به جامعه (سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۴)

یکی از دلایل عدم رشد و موفقیت کارآفرینان، وجود مقررات دست و پاگیر اداری، وجود دیوان سالاری اداری و بعضی مقررات زائد و وجود فشارهای درونی و خارجی تحمیلی می‌باشد که موجب به وجود آمدن محدودیت‌های فراوانی برای به ساده‌ترین اهداف اقتصادی می‌شود. چنین محیطی باعث سرخوردگی و حتی فرار کارآفرینان می‌شود زیرا آنان جایی برای بیان و ابراز ایده‌های خود نمی‌یابند و خود را در کمند دیوان سالاری و روابط ناسالم سازمان‌های تصمیم‌گیرنده می‌بینند. به همین دلیل آن‌ها نیز به خیل جامعه بی‌تحرک و ساکنی می‌پیوندند که حاصل شرایط و محدودیت‌های موجود می‌باشد. کنترل دموکراتیک تعاونی توسط اعضاء فضای مناسبی را به منظور ارضای حس «استقلال طلبی» یا «نیاز به استقلال» به عنوان یک نیروی انگیزشی مهم برای کارآفرینان فراهم می‌آورد. بررسی منابع موجود در زمینه کارآفرینی نشان می‌دهد که نظام خشک دیوان سالاری به هیچ وجه مورد رضایت خاطر کارآفرینان نیست و استقلال طلبی یکی از ویژگی‌های مهمی است که سبب می‌شود کارآفرینان به اهداف و رؤیاهای خود دست یابند. به همین دلیل فضای حاکم بر تعاونی، آزادی عمل برای کارآفرینان را به ارمغان می‌آورد و می‌تواند به عنوان یک بستر مناسب، کارآفرینان را در خود جای دهد.

### رویکرد دولت نسبت به توسعه کارآفرینی در بخش تعاون

در بسیاری از کشورهای جهان سوم، حمایت‌های لازم از کارآفرینان صورت نگرفته و به عکس مشاغل دلالی و واسطه‌گری و رانت‌خواری از رونق بیشتری برخوردار هستند که این امر موجب می‌گردد افراد فعال در این بخش‌ها که برای توسعه اقتصادی نافع نبوده بلکه عمدتاً مضر هم هستند، سودآوری بسیار بالایی داشته باشند. بنابراین انگیزه‌های حرکت و تلاش از کارآفرینانی که قصد خدمت به توسعه اقتصادی کشور دارند، گرفته شود. در حالی که برای نیل به اهداف اقتصادی و توسعه اقتصادی می‌توان همچون کشورهای پیشرفته با اعمال مدیریت صحیح و توجه لازم و حمایت‌های کافی از کارآفرینان و کارآفرینی موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم نمود. نگاهی به مشخصات «محیط‌های کارآفرین» نشان می‌دهد که این گونه محیط‌ها باید دارای یک سری مشخصات ویژه باشند بدین ترتیب که: از «لحاظ اقتصادی» شرایط باید به گونه‌ای باشد که افراد برای تأسیس و شروع کسب و کار با موانع کمی مواجه شوند، از «لحاظ مالی» برای شروع فعالیت‌های ریسکی، دسترسی به سرمایه‌گذاران، وام‌های ارزان و طولانی مدت میسر باشد و شرایط به گونه‌ای فراهم شود که از کسب و کارهای کوچک و تازه «سیاست دولت» از لحاظ تأسیس حمایت شده و ایجاد و رشد کسب و کارهای کوچک نیز مورد تشویق و حمایت قرارگیرد.

با توجه به اینکه در حال حاضر در کشور ما اهتمام جدی دولت در ایجاد اشتغال و رفع بیکاری و حرکت به سمت عدالت محوری از طریق توجه ویژه به اصل 44 قانون اساسی موجب گردیده است تا بخش تعاون از اعتبارات و تسهیلات کافی برای تأمین سرمایه و ایجاد اشتغال برخوردار باشد، فضای مناسبی در کشور برقرار گردیده که عرصه تعاون از وجود یک محیط مناسب برای کارآفرینی برخوردار گردیده و به منزله یک بستر مناسب برای رشد و توسعه کارآفرینی در کشور عمل نماید.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

توسعه کشور از ضرورت‌های جدی و اجتناب‌ناپذیری است که جهان امروز به عنوان یک سرنوشت محتوم آن را پذیرفته است و از مهمترین و اساسی‌ترین اهداف فرد، گروه، سازمان و جامعه می‌تواند توسعه همه جانبه کشور باشد. تعاونی‌های روستایی و کشاورزی و تولید روستایی می‌توانند یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در سطح روستاها به‌شمار آیند که همگام با سیاست‌های دولت در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقای سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم روستاها مؤثر باشند. هدف از





توسعه بخش تعاون روستایی در ممالک در حال توسعه این است که از این طریق نه تنها به نوسازی شیوه‌های کهنه اقتصادی در روستاها پرداخته شود، بلکه شرایط اقتصادی-اجتماعی عادلانه‌تری نیز برقرار گردد.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که تعاونی‌ها به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر در طول دو قرن گذشته حضور چشم‌گیر خود را در تمامی صحنه‌های اقتصادی-اجتماعی حفظ کرده‌اند. براساس مطالعات انجام شده عدم تشخیص و بهره‌گیری از فرصت‌ها، عدم دسترسی به منابع مختلف، عدم خلاقیت و نوآوری و نواندیشی و ارزش آفرینی، عدم برخورداری از قدرت بینش و آینده‌نگری و نداشتن چشم انداز و توانایی دیدن افق‌های دور دست، عدم دارا بودن حس استقلال‌طلبی، عدم برخورداری از روحیه سخت‌کوشی، عدم توانایی اعمال رهبری در عرصه‌های اجتماعی، عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری، عدم ریسک‌پذیری و مدیریت و کنترل ریسک‌های موجود و احتمالی و عدم یکپارچگی و ناتوانی در رقابت با بخش خصوصی و سازماندهی نامناسب در مدیریت و نیروی انسانی و نداشتن یک سیستم آموزشی منسجم و فرآیند محور عدم مشارکت مؤثر اعضاء تعاونی‌ها در مجامع تصمیم‌گیری از دلایل ناکارآمدی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی به شمار می‌روند.

اگر کارآفرینی را پدیده‌ای بدانیم که در آن افراد و سازمان‌های کارآفرین به مدد خلاقیت، نوآوری، پشتکار، آینده‌نگری، تعهد بالا به جامعه و چالاکی به عنوان عاملان تغییر از طریق ایجاد و شناسایی فرصت‌های جدید به خلق و ارائه کالاها و خدمات مورد نیاز اجتماع می‌پردازند و قائل به این حقیقت گردیم که کارآفرینی به عنوان رویکرد نوین اقتصادی و عامل مزیت‌رقابتی ملت‌ها و بنگاه‌ها و کشورها برشمرده می‌شود و نیز یکی از شاخص‌های عمده توسعه‌ای حتی در میان کشورهای توسعه یافته تلقی می‌گردد و با توجه به الزامات و ضرورت‌های اساسی در جامعه ما بخصوص مسائل و مشکلات فراروی پیشرفت و توسعه در آن و همچنین با ملاحظه تجارب برخی از کشورها و ممالک توسعه یافته که گاهی درگیر مشکلات مشابه آنچه که امروزه به عنوان دغدغه اصلی فراروی ما نهاده شده است (نظیر بیکاری، افت شاخص‌های اصلی بهره‌وری، مهارت نیافتگی کارآفرینی روستایی از طریق تعاونی‌های روستایی و دانش آموختگان دانشگاهی و...) می‌توان کارآفرینی روستایی از طریق تعاونی‌های روستایی و کشاورزی و تولید روستایی را به عنوان نسخه شفاف‌بخش توسعه جامعه ایرانی به ویژه در روستاها تجویز نمود. بدین ترتیب می‌توان دریافت که کارآفرینان نقش بسیار مهم و مؤثری را در این عرصه ایفا می‌نمایند.

## منابع و مآخذ

- (۱) انصاری، م.ت.، سلمانی‌زاده، ع. ۱۳۸۸. نوآوری در سازمان‌ها بر مبنای کارآفرینی سازمانی، مجله راهبرد یاس، ۱۸: ۱۸۵-۱۶۷.
- (۲) حسین‌پور، د.، زارعی‌وش، ف. ۱۳۸۹. الگوی کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی اداره کل تعاون استان تهران)، فصلنامه تعاون، ۲۱ (۴): ۱۷۱-۱۹۴.
- (۳) دنیایی، ح.، یعقوبی، ج.، رجایی، ی. ۱۳۸۹. عوامل مؤثر بر تقویت و توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های کشاورزی استان زنجان، فصلنامه تعاون، ۲۱ (۳): ۱۱۱-۱۲۵.
- (۴) دهباشیان، س.، سپیدنام، ق.، کشتگری، م.، اکبریان، ر. ۱۳۹۰. تسهیلات تکلیفی بخش تعاون در ایجاد فرصت‌های شغلی طی برنامه سوم، مطالعه موردی استان خراسان رضوی، فصلنامه تعاون، ۵: ۲۰-۱.
- (۵) دهقان‌پور فراشاه، ع. ۱۳۸۱. کارآفرینی و کارآفرینان، تعاریف و ویژگی‌ها، فصلنامه صنایع، ۳۳: ۱۲-۲۴.
- (۶) ذبیحی، م. مقدسی، ع. ۱۳۸۱. کارآفرینی و کارآفرینان، تعاریف و ویژگی‌ها، فصلنامه صنایع، ۳۳: ۱۲-۲۴.
- (۷) رضائیان، ع. ۱۳۹۰. مبانی سازمانی مدیریت (چاپ پانزدهم). انتشارات سمت، تهران.
- (۸) سعیدی مهرآباد، م.، مهتدی، م.م. ۱۳۸۷. تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه (مطالعه موردی: آموزش‌های کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی)، فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱(۲): ۷۳-۸۵.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران  
یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



- ۹) سلجوقی، م. ۱۳۸۷. کارآفرینی ایجاد و توسعه کسب و کار جدید. انتشارات خدمات فرهنگی کرمان، کرمان.
- ۱۰) سیدنقوی، م.ع.، عبدالله پور، م. ۱۳۸۹. رابطه بین سرمایه اجتماعی و کارآفرینی سازمانی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۳(۹): ۱۲۹-۱۰۳.
- ۱۱) عباسی، ر.، رسولزاده، ب.، عباسی، پ. ۱۳۸۸. عوامل مؤثر بر موفقیت و عدم موفقیت تعاونی‌های تولیدی استان اردبیل، فصلنامه تعاون، ۲۰(۲۱۰ و ۲۱۱): ۹۰-۷۱.
- ۱۲) علم‌بیگی، ا. ۱۳۸۶. بررسی و تبیین نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توسعه کارآفرینی سازمانی در سازمان ترویج کشاورزی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی.
- ۱۳) فاضل‌بیگی، م.م.، یآوری، غ. ۱۳۸۸. تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی، فصلنامه تعاون، ۲۰(۲۰۴ و ۲۰۵): ۶۲-۴۱.
- ۱۴) فاضل‌بیگی، م.م.، یآوری، غ. ۱۳۸۸. تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی، فصلنامه تعاون، ۲۰(۲۰۴ و ۲۰۵): ۶۲-۴۱.
- ۱۵) گرچی، م.ب.، سمیعی، ر. ۱۳۸۷. بررسی رابطه میان واگذاری فعالیت‌های دولتی و توسعه بستر کارآفرینی سازمانی، فصلنامه فرهنگ مدیریت (۶۰۱۸): ۱۲۱-۹۵.
- ۱۶) مقصودی، ط.، داوودی، ه. ۱۳۸۸. حمایت از توسعه کارآفرینی در تعاونیهای تولید کشاورزی.
- ۱۷) مهرنگار، س.، حسینی‌نیا، غ. ۱۳۸۸. شناسایی نیازهای آموزشی مدیران عامل تعاونی‌های مرغداری و عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی مرغداران استان خراسان رضوی، فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۲۰(۱۹۷): ۱۷-۲۸.
- ۱۸) میرزایی، آ.، میردامادی، س.م.، حسینی، س.م.، سجادی، ا. ۱۳۹۰. تأثیر ابزارهای ترویجی و منابع اطلاعاتی بر مشارکت کشاورزان استان گلستان در تعاونیهای آبیران، فصلنامه تعاون، ۲۲(۲۰۵): ۳۴-۴۲.
- ۱۹) سلیمانی سوچلمای، ابوالقاسم (۱۳۸۴). نقش شرکت‌های تعاونی در تأمین اشتغال و رفع محرومیت، مجموعه مقالات منتخب کنفرانس تعاون و اشتغال و توسعه، جلد اول، صفحه ۵۲۴.

- 20) Pirich, A., Knuckey, S., Cambell, J. 2001. An interface between entrepreneurship and innovation. University of Alborg Publisher, Denmark.
- 21) Fogel, K., Hawk, A., Morck, R., Yeung, B. 2005. Institutional obstacles to corporate entrepreneurship. Oxford Handbook of Entrepreneurship, Oxford University Publisher, England.
- 22) Histrich, R., Peters, M. 2002. Entrepreneurship. McGraw-Hill/Irwin Publisher, New York.
- 23) Chell, E. and Burrows, R. (1991) The small business owner- manager in stanworth, J. and Gray, C. (eds) Botton 20 years on: The small firm in the 1990s, London: paul chapman, ch. 7, pp.151-177.